

The Question-Answer Teaching Method and Its Implications for Intellectual Education from the Perspective of the Holy Quran

Zahra KazemiZadeh¹, Saifullah Fazlollahi²

¹ Ph.D. student of Philosophy of Islamic Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (**corresponding author**). Kazemi2035@gmail.com

² Associate professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. fazlollahi@yahoo.com

Abstract

One of the important issues facing education is rational education. Dealing with issues related to reason, thinking and intellectual education has a high place. Intellectual education is the methods that regularly lead to the development of theoretical and practical reason in order to achieve nearness to God, knowledge, faith and righteous action. The purpose of this article is to examine the basics of the question - answer teaching method and its implications for intellectual education from the perspective of the Holy Quran. The research approach is qualitative and the analysis method is thematic analysis. In order to collect information, a documentary method was used and the tool for collecting data was note taking from textual data. The results of the research show that in the Holy Quran, one of the methods used to guide people in all aspects of faith, jurisprudence, ethics, rationality, etc. is a method of questioning - answering to cultivate thinking in humans and provide grounds for intellectual education. By using different methods such as direct and explicit, motivational and reprimanded, internal reference and self-questioning, comparison and simile methods, and the method of expressing surprise, the Holy Quran encourages people to think, to reflect and to flourish the intellect among them. The educational implications derived from these teachings can provide the means to achieve the desired goals and objectives in intellectual education.

Keywords: education, intellect, intellectual education, questions and answers, Holy Quran.

Received: 2023/11/02 ; Received in revised form: 2023/11/22 ; Accepted: 2023/12/01 ; Published Online: 2023/12/17

How To Cite: KazemiZadeh, Zahra; Fazlollahi, Saifollah (2023). The Question-Answer Teaching Method and Its Implications for Intellectual Education from the Perspective of the Holy Quran, *Journal of Research in Instructional Methods*, 1(3), 5-28. doi.org/10.22091/JRIM.2023.10049.1042

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



روش تدریس پرسش و پاسخ و دلالت‌های آن برای تربیت عقلانی از منظر قرآن کریم

زهرا کاظمی‌زاده¹، سیف‌اله فضل‌اللهی قمشی² ID

¹ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

Kazemi2035@gmail.com

² دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، ایران. fazlollahigh@yahoo.com

چکیده

یکی از مسائل مهم و دشواری که تعلیم و تربیت با آن روبه‌روست، مسئله تربیت عقلانی است. از این‌رو، پرداختن به مباحث مربوط به عقل، تفکر، اندیشه‌ورزی و به‌تبع آن تربیت عقلانی، از جایگاه رفیعی برخوردار است. منظور از تربیت عقلانی، مجموع روش‌هایی است که به‌صورت منظم و سازمان‌یافته موجب رشد و پرورش عقل نظری و عملی در جهت دستیابی به قرب الهی، علم، ایمان و عمل صالح هستند. هدف مقاله حاضر واکاوی مبانی روش تدریس پرسش و پاسخ و دلالت‌های آن برای تربیت عقلانی از منظر قرآن کریم است. در این پژوهش، رویکرد پژوهش کیفی و روش تحلیل، تحلیل مضمون است، از روش اسنادی جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده و ابزار گردآوری اطلاعات به صورت فیش‌برداری و یادداشت از داده‌های متنی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در قرآن کریم، یکی از روش‌هایی که برای راهنمایی و هدایت انسان به فراوانی یافت می‌شود و در همه ابعاد اعتقادی، فقهی، اخلاقی، عقلانی و... به‌کار رفته است، روش پرسش و پاسخ است تا به وسیله آن به پرورش تفکر در انسان‌ها پرداخته و موجبات تربیت عقلانی آنان را فراهم کند. قرآن کریم با به‌کارگیری شیوه‌های مختلف پرسش و پاسخ نظیر روش مستقیم و صریح، روش انگیزشی و توییحی، روش ارجاع به درون و پرسش از خود، روش مقایسه و تمثیل و روش اظهار اعجاب و شگفتی، موجب ترغیب و تشویق افراد به تفکر و اندیشه‌ورزی و شکوفایی عقل در آنان می‌شود و دلالت‌های تربیتی برگرفته از این آموزه‌ها می‌تواند موجبات دستیابی به اهداف مقاصد موردنظر در تربیت عقلانی را فراهم نماید.

کلیدواژه‌ها: تربیت، عقل، تربیت عقلانی، پرسش و پاسخ، قرآن کریم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶
استاد: کاظمی‌زاده، زهرا؛ فضل‌اللهی قمشی، سیف‌اله (۱۴۰۲). روش تدریس پرسش و پاسخ و دلالت‌های آن برای تربیت عقلانی از منظر

قرآن کریم. *پژوهش در روش‌های آموزش*، ۳۱(۳)، ۲۸-۵. doi.org/10.22091/JRIM.2023.10049.1042

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

از دیدگاه قرآن، هدف نهایی زندگی، تقرب به خداوند است و هیچ هدفی متعالی‌تر از آن وجود ندارد، زیرا تقرب به خداوند، رسیدن به همه کمالات، زیبایی‌ها، لذت‌ها و سعادت ابدی است. همه انسان‌ها فطرتاً کنج‌کاو و کاوشگر آفریده شده‌اند. به همین دلیل، انسان همواره به منظور شناخت خود، ناشناخته‌ها و اسرار حیات و هستی، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده است. انگیزه و تلاش مداوم انسان در شناخت هرچه بیشتر خویش و جهان هستی، مناسب‌ترین بستر را برای رشد تفکر، استدلال منطقی و دستیابی به روش‌های علمی فراهم آورده است. در منابع اسلامی آیات و روایات فراوانی در مورد ماهیت عقل، آثار، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن به چشم می‌خورد. نقطه اشتراک همه انسان‌ها و عامل تمییز او از سایر جانداران عقل است؛ بنابراین، زبان مشترک میان همه انسان‌هاست. قرآن کریم نیز در تمام مراحل، با همین روش منطقی مخاطبان خویش را به تعقل دعوت می‌نماید. حرکت انسان در این مسیر از عقل شروع می‌شود و به عقل ختم می‌گردد. به تعبیر دیگر، مخاطبان پیامبران و وحی الهی، عقل مردم و عاقلان جامعه می‌باشند. آنها عقل‌های خفته را بیدار و هوشیار می‌کنند و جهل، خرافه و آداب و رسوم باطل و هوا و هوس را از آن پاک می‌نمایند. عقل زینت بخش وجود آدمی است و مایه امتیاز او بر سایر موجودات جهان است و از بالاترین ارزش برخوردار است؛ چرا که مخلوق خدا و گران‌مایه‌ترین نعمتی است که او به بشر ارزانی داشته است. عقل مورد خطاب ذات باری و رسول اوست؛ این نکته بیانگر عظمت گوهر وجود آدمی است که سزاوار است بدان توجه شود. بیان ویژگی‌های باارزش آن بدین خاطر است که قدر و منزلت آن روشن گردد تا انسان‌ها با وقوف یافتن بر منزلت و نقش آن، به سوی منزل سعادت ره پیمایند. همچنین با روش‌های مختلف پرورش و اعتلای آن آشنا شوند، تا از این نعمت الهی بهره‌های لازم را بگیرند و با موانع رشد آن آشنا شوند تا آنها را از سر راه تکامل عقل بردارند. بنابراین، از نظر اسلام، تنها راه تکامل مادی و معنوی، سازندگی دنیا و آخرت و رسیدن به مقصد اعلا‌ی انسانیت، درست فکر کردن و استفاده درست از عقل است و همه گرفتاری‌های بشر نتیجه جهل و به‌کار نگرفتن عقل و اندیشه است. خداوند متعال در آیه ۱۰۰ سوره یونس در این باره می‌فرماید: «... وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»؛ و [خدا] بر کسانی که نمی‌اندیشند پلیدی را قرار می‌دهد. «افرادی که از تعقل، تفکر و اندیشه سرباز می‌زنند، سرانجام به این مجازات گرفتار می‌شوند که رجس، پلیدی شک و تردید، تارک دلی و بینش نادرست بر آنها چیره می‌شود، تا آنجا که توانایی ایمان از آنها سلب می‌گردد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۸: ۴۷۶).

«پرسش و پاسخ یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال استوارترین روش‌های تحریک و تقویت فکر به شمار می‌آید. شاید هیچ روشی را نتوان یافت که به اندازه پرسش، به تحریک فکر کمک کند. پیشینه کاربرد آموزش به وسیله پرسش را به سقراط نسبت داده‌اند. سقراط به کمک پرسش و پاسخ تلاش می‌کرد تا جوانان افکار درست را از افکار نادرست آنها تمییز دهند. او در گفت‌وگوهایی که در قالب پرسش و پاسخ با جوانان آتن ترتیب می‌داد، نادرست بودن برخی از افکار را به آنان نشان می‌داد» (ستاری، ۱۴۰۰: ۹۶).

هدف اصلی روش تدریس پرسش و پاسخ، بر دستیابی به اهداف شناختی و رساندن دانش به سطح خودآگاه دانش‌آموز متمرکز است. روش تدریس پرسش و پاسخ از انواع روش‌هایی است که از سوی متخصصین آموزش و پرورش و متخصصان آموزش خلاقیت و تفکر به‌عنوان یک روش تدریس خلاقانه ارائه داده شده است. «در روش تدریس پرسش و پاسخ، معلم دانش‌آموزان را به تفکر و تلاش درباره مفهومی جدید یا بیان مطلبی تشویق می‌کند. معلم اندیشه‌ها و تفکرات خود را به دانش‌آموزان القاء نمی‌کند، بلکه چون آینه‌ای تفکرات و احساسات آنها را منعکس می‌سازد و با اظهارنظرهای منطقی، ادراک‌ها و فعالیت‌های دانش‌آموزان را جهت می‌دهد. در روش تدریس پرسش و پاسخ، اگر دانش‌آموزی در دستیابی به اهداف آموزشی یا توانایی در پاسخ‌دهی دچار مشکل شود، معلم مشکل را تنها با توضیح برطرف نمی‌سازد، بلکه به دانش‌آموز کمک می‌کند با انتخاب راهبردهای مناسب، خود شخصاً در جهت حل مشکل اقدام نماید. معلم به‌عنوان یک تسهیل‌کننده رخدادهای آموزشی، از داوری یا نتیجه‌گیری علمی و اخلاقی پرهیز می‌کند، دانش‌آموزان در بیان عقاید خود کاملاً آزاد هستند و روابط معلم با دانش‌آموزان فارغ از هر گونه فشار و تحمیل است. این روش، برای مرور مطالبی که قبلاً آموخته شده، ارزشیابی میزان درکی که دانش‌آموزان از مفهوم درس دارند و پرورش قدرت تفکر و استدلال آنها بسیار مؤثر است، اما سؤالات باید با توجه به زمینه‌های علمی دانش‌آموزان به گونه‌ای مطرح شوند که توجه آنان را برانگیزد و ذهن آنان را به حرکت و کاوش درآورد» (شعبانی، ۱۳۹۰، ج: ۱، ۳۲۵).

پرسش و پاسخ‌های قرآن بر مبنای یک هدف عالی استوار شده است و آن هدایت انسان‌ها به حق است. قرآن کریم در جهت هدایت انسان و نجات وی از کج‌روی و انحرافات به روش‌هایی روی آورده است که مهمترین آنها روش پرسش و پاسخ است. روش پرسش و پاسخ دستگاه شناختی و معرفتی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زمینه عاطفی را برای پذیرش حق در آنها فراهم کرده و در نهایت می‌تواند منجر به تجلی باورها و ارزش‌های دینی در رفتار فرد شود؛ این روش کارکردهای معرفتی، عاطفی و رفتاری به همراه دارد و زمینه هدایت افراد را فراهم می‌کند. در پژوهش حاضر سعی شده است علاوه بر بررسی شیوه‌های پرسش و پاسخ، دلالت‌های آن برای تربیت عقلانی مورد بررسی قرار گیرد؛ بنابراین، در این پژوهش سؤال اصلی این است که:

- ۱) روش پرسش و پاسخ در قرآن کریم به چه شیوه‌هایی آمده است؟
- ۲) روش پرسش و پاسخ در قرآن کریم چه دلالت‌هایی برای تربیت عقلانی به همراه دارد؟

پیشینه تحقیق

در زمینه روش تدریس پرسش و پاسخ از دیدگاه پژوهشگران و محققان، تحقیقاتی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

حسینی‌زاده و زارعی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اهمیت و جایگاه شیوه تربیتی

پرسش و پاسخ در قرآن» نشان می‌دهد که محتوای قرآن و روایات گویای آن است که قرآن نه تنها شیوه پرسیدن را رد نمی‌کند، بلکه مردم را به آن دعوت می‌کند و با ظرافت بیان می‌دارد که باید از اهل علم پرسید. در قرآن گاهی مردم می‌پرسند و گاهی سؤال از ناحیه خداوند با هدف تبلیغ معارف دین، برانگیختن تفکر و... است و موجب بالا بردن سطح معلومات، کاهش جهل و نادانی و درک بهتر موضوع می‌شود.

فلاح (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «گونه‌های روش پرسش و پاسخ و کاربرت آن در پاسخ به مسائل اعتقادی از دیدگاه قرآن» بیان می‌کند که از روش پرسش و پاسخ در قرآن کریم به صورت مستقیم و غیرمستقیم با هدف برهان‌آوری، مراجعه به درون و تذکر، اقیاع و تأثیر وجدانی و فطری استفاده شده است و این روش پاسخگویی زمینه تأثیرگذاری شناختی و عاطفی را در مخاطب فراهم نموده و سبب آمادگی و پذیرش افراد در مسائل اعتقادی می‌شود.

سجادیه، دیالمه و طوسی‌ان (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «رویکری تربیتی به کارکردهای پرسش از منظر قرآن کریم» بیان کردند که ادبیات پرسشی در قرآن کریم راهبردی است که مشتمل بر کارکردهای متعدد در مسیر تربیت مخاطبان است و از جمله کارکردهای تربیتی پرسش در قرآن می‌توان به برقراری ارتباط با موضوع، وارد ساختن تنش شناختی، بازبینی بینش‌ها در ساحت تحول درونی، غفلت‌زدایی و یادآوری بدیهیات فطری و عقلی، بسط منظر فرد نسبت به واقعیت‌ها، برانگیختگی عاطفی، نمایان‌سازی تناقضات فکری مخاطب، خطایابی و کمک به تغییر عملکرد و گشودن عرصه‌های تفکر اشاره نمود.

فیاض (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «پرسشگری، راهبرد هویت‌پایدار دینی در قرآن کریم» بیان می‌کند: ایجاد کیفیتی از دین‌داری در انسان که معرف آگاهی، تعلق خاطر، غلیان احساسات و دل‌بستگی‌های عاطفی، پابندی، تقید و تعهد نسبت به مجموعه‌ای از اعتقادات و اعمال دینی باشد، مستلزم پرورش روحیه جستجوگری و پرسشگری دینی است، به گونه‌ای که فرد قادر به کشف و طرح مسئله، فرضیه‌سازی، گردآوری اطلاعات، توانایی تجزیه و تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری شده و متناظر با آن به مجموعه‌ای روشن، نظم‌یافته و پایدار از ارزش‌ها و هدف‌ها دست‌یافته و به آن ارزش‌ها، هدف‌ها و باورهایی که خود انتخاب کرده و به آن رسیده است، متعهد شده و گذر نسبتاً موفقی از «است» را به «باید» رقم بزند و از این طریق زندگی خود را سامان‌دهی و هدایت کند و دچار توقف، اغتشاش یا تعلیق در هویت دینی خویش نشود.

سیگیت هاریانتو^۱ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «استفاده از روش پرسش و پاسخ برای افزایش پیشرفت دانش‌آموزان در موضوعات زبان‌شناسی اجتماعی» بیان می‌کند که روش تدریس، شامل اصول و

روش‌هایی است که معلمان برای توانمندسازی و یادگیری دانش‌آموزان به‌کار می‌برند. یکی از روش‌های متداول تدریس که معلمان از آن در هر مکان و زمانی استفاده می‌کنند، روش پرسش و پاسخ است. این روش، در افزایش توانایی دانش‌آموزان در درک مطالب دوره‌های زبان‌شناسی اجتماعی مؤثر بوده و سهم عمده‌ای در بهبود پیشرفت دانش‌آموزان، افزایش شناخت و آگاهی آنان و افزایش روابط خوب و سازنده میان آنان و دوستانشان دارد.

گروور اچ. الدرمن^۱ (۱۹۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «روش سخنرانی در مقابل روش پرسش و پاسخ» بیان می‌کند که دانش‌آموزان برای یادگیری مطالب واقعی به استفاده از روش پرسش و پاسخ بیشتر تمایل دارند تا روش سخنرانی؛ همچنین زمانی که از روش پرسش و پاسخ در فرایند تدریس استفاده می‌شود، میزان یادآوری مطالب توسط دانش‌آموزان بیشتر است و منجر به افزایش نمرات در ارزشیابی‌های آموزشی می‌شود.

نتایج حاصله از بررسی تحقیقات انجام‌شده داخلی و خارجی نشان می‌دهد که اکثر تحقیقات صورت گرفته در زمینه روش پرسش و پاسخ، عمدتاً در ارتباط با اهداف و جایگاه پرسش و پاسخ صورت گرفته است؛ درحالی‌که در پژوهش حاضر سعی شده است علاوه بر بررسی شیوه‌های پرسش و پاسخ، دلالت‌های آن برای تربیت عقلانی نیز بررسی شود. با توجه به آنچه که در بخش پیشینه پژوهش مطرح شد، به نظر می‌رسد موضوع پژوهش حاضر و دستاوردهای آن جدید خواهد بود، زیرا در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن کریم، به عنوان «کامل‌ترین و جامع‌ترین منبع تعلیم و تربیت اسلامی»، به ارائه دلالت‌های روش پرسش و پاسخ در تربیت عقلانی پرداخته شود تا همراه با سایر اقدامات و فعالیت‌هایی که در زمینه انواع تربیت با توجه به شئون حیات آدمی، نظیر: تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی، اجتماعی و... صورت می‌پذیرد، زمینه لازم را جهت هدایت حرکت آزادانه و آگاهانه متربیان در راستای دستیابی به غایت زندگی انسان (قرب الی الله)، فراهم نماید.

روش‌شناسی

در این پژوهش، نوع تحقیق از لحاظ رویکرد کیفی است. «پژوهش کیفی، نوعی پژوهش است که یافته‌هایی را به دست می‌دهد که با شیوه‌های آماری یا کمی کسب نشده‌اند. پژوهش کیفی، نوعی نگرشی وسیع، عمیق، با معنا و حتی غیرابزاری به مسائل، رفتارها و یافته‌هاست. این مهم در پژوهش‌های کمی به‌گونه دیگری است، چراکه پژوهش کمی، به تعیین کمیت و شمارش پدیده‌ها تحت شرایط گوناگون مربوط می‌شود» (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۷: ۲۱). «در تحقیقات کیفی، اسناد، مدارک، نوشته‌ها و آثار داده‌هایی هستند که محقق می‌تواند از جمع‌آوری، طبقه‌بندی، ارزیابی، مقایسه و تحلیل آنها مجهول را

کشف نموده و فرضیه ارائه شده را ارزیابی کند؛ بنابراین، در تحقیقات کیفی محقق می‌تواند از طریق استدلال قیاسی و استقرایی، تمثیل، تشبیه، نشانه‌یابی، تفسیر، تجرید، تشخیص تفاوت و تمایز، مقایسه و... که به کمک تفکر، تعقل و منطق صورت می‌پذیرد، داده‌های گردآوری شده را ارزیابی، تجزیه و تحلیل نموده و نتیجه‌گیری کند» (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۶۹). در این پژوهش، بر این اساس که متن قرآن کریم، از جمله کلمات، عبارات و آیات، حاوی نکات و پیام‌هایی است که حکیمانانه و آگاهانه در آن گنجانیده شده است و به دنبال آن هست که به درک مضامین و معانی در متن و محتوای آیات قرآن کریم بپردازد، نوع تحقیق حاضر از لحاظ رویکرد کیفی است تا علاوه بر بهره‌مندی کامل و جامع از این نکات و پیام‌های قرآنی در زمینه روش‌های پرسش‌وپاسخ، به ارائه آنها در قالب ساختار علمی قابل قبول بپردازد.

در این پژوهش نوع تحقیق از جهت هدف، بنیادی-کاربردی است؛ از آن جهت که به تحلیل و تبیین ماهیت پرسش‌وپاسخ و مبانی (گزاره‌های توصیفی و اخباری) آن بر اساس آیات قرآن کریم می‌پردازد، بنیادی است و بدان سبب که می‌کوشد تا با بهره‌گیری از نتایج و یافته‌های به‌دست آمده، به دلالت‌های روش پرسش‌وپاسخ در فرایند تربیت عقلانی از منظر قرآن کریم بپردازد، کاربردی است.

پژوهش حاضر، از حیث روش، تحلیلی است. یکی از روش‌های تحلیل داده‌های کیفی، تحلیل مضمون است. «این روش برای شناخت، شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد و در کمترین حالت، مجموعه داده‌ها را با جزئیات بسیار سازماندهی و شرح می‌دهد؛ همچنین از این حد فزاینده و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر می‌کند» (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۷: ۵۳).

در این پژوهش که در زمره تحقیقات کیفی متنی است، محیط پژوهش، کلیه آیات قرآن کریم است و آیاتی که حاوی پرسش‌وپاسخ هستند و ارتباط نزدیک‌تری با موضوع پژوهش دارند، به روش نمونه‌گیری هدفمند، از نوع «نمونه‌گیری قضاوتی»^۱، به عنوان نمونه شناسایی و انتخاب می‌شوند؛ همچنین به منظور بررسی اعتبار محتوای به دست آمده از آیات قرآن کریم، علاوه بر رعایت اصول و قواعد مربوط به فهم و برداشت از قرآن کریم، از تفسیر المیزان نیز استفاده شده است. در این پژوهش، روش گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات غالباً به صورت فیش‌برداری و یادداشت از داده‌های متنی است.

در این پژوهش، روش تحلیل داده‌ها، روش تحلیل مضمون^۲ یا تحلیل موضوعی است. «مضمون، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که نشان‌دهنده اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و درک خاصی در

1. judgmental selection

2. Thematic Analysis

رابطه با سؤالات پژوهش و الگویی است که در مجموعه‌ای از داده‌ها یافت شده و به توصیف، سازماندهی مشاهدات و تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد» (همان: ۵۴). با توجه به دیدگاه صاحب‌نظران، عناوین و طبقه‌بندی‌های متفاوتی برای مضامین وجود دارد که در این پژوهش، مضمون بر اساس دیدگاه کینگ و هاروکس^۱ که انواع مضمون را بر اساس «سلسله‌مراتب مضمون در قالب مضامین» طبقه‌بندی کرده، بررسی و تحلیل شده است. از دیدگاه کینگ و هاروکس انواع مضمون عبارتند از: «مضمون فرعی که در پایین‌ترین سلسله‌مراتب مضامین قرار می‌گیرد و مضمون اصلی که در سطوح بالاتر سلسله‌مراتب مضامین قرار می‌گیرد» (کینگ و هاروکس، ۲۰۱۹: ۲۵۸). در این پژوهش «فرایند تحلیل مضمون عبارت است از:

۱. **مرحله اول- تجزیه و توصیف متن:** آشنا شدن با متن (شامل درک کافی از موضوع، مکتوب کردن داده‌ها، مطالعه اولیه داده‌ها و نوشتن ایده‌های اولیه)، ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری متن (شامل تهیه چارچوب کدگذاری و قالب مضامین اصلی و مضامین فرعی، تفکیک داده‌های متنی به بخش‌های کوچکتر نظیر بند، عبارت و کلمات)، جستجو و شناخت مضامین (شامل تطبیق دادن کدها با قالب مضامین، استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاری شده متن، بررسی مضامین، تم‌های اصلی و تم‌های فرعی).

۲. **مرحله دوم- تشریح و تفسیر متن:** بررسی هم‌خوانی مضامین با کدهای مستخرج، مرتب کردن مضامین، انتخاب مضامین اصلی و فرعی، تعریف، نام‌گذاری و توصیف مضامین.

۳. **مرحله سوم- ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن و تدوین گزارش و یافته‌های تحقیق:** تلخیص مضامین و بیان مختصر و صریح آنها به صورت متن مشروح و جدول، مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات و مبانی نظری تحقیق، نوشتن گزارش علمی از تحلیل‌ها.

مفهوم‌شناسی

تربیت: «ریشه تربیت سه حرف "ر ب و" و واژه "رَبَوَ" است. این واژه به باب تفعیل در ثلاثی مزید برده شده است که متعدی است؛ یعنی ربا، یربی، تربیه» (شریعتی، ۱۳۹۱: ۶۱). «تربیت از ریشه رَبَوَ، در لغت یعنی غذا دادن و بزرگ کردن» (بهشتی، ۱۳۸۹: ۲۴) است؛ بنابراین، «واژه تربیت با توجه به ریشه آن، به معنای فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است و از این رو به معنای تغذیه طفل به کار می‌رود. اما علاوه بر این، تربیت به معنای تهذیب نیز استعمال شده که به معنای زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی است؛ گویا در این استعمال نظر بر آن بوده که تهذیب اخلاقی، مایه فزونی مقام و منزلت معنوی

است و از این حیث می‌توان تہذیب را تربیت دانست» (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۵۲). تربیت در اصطلاح «مجموعه تدایمی و روش‌هایی است که برای ایجاد، ابقاء و اكمال ادراکات، تمایلات، تصمیمات و اقدامات مطلوب در متری صورت می‌گیرد» (بهشتی، ۱۳۸۹: ۲۴)، زیرا «چهار عنصر ادراکات، تمایلات، تصمیمات و اقدامات، چهار ساحت یا وجه اساسی شخصیت انسان است که در کتب و منابع قدیم فلسفی با عنوان مبادی عمل به آنها اشاره شده است» (همان: ۲۴).

عقل: «واژه عقل در کتاب‌های لغت در معانی مختلفی نظیر: فهم، معرفت، علم، تدبیر و نیروی تشخیص حق از باطل و خیر از شر به کار رفته است» (پورصباغ و شجاعی، ۱۳۸۹، ۷۵). راغب اصفهانی در تعریف عقل می‌نویسد: «وَأَصْلُ الْعَقْلِ الْإِمْسَاكُ وَالِاسْتِمْسَاكُ، كَعَقْلِ الْبَعِيرِ بِالْعَقَالِ عَقْلًا» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ج ۱: ۵۷۸)؛ عقل در اصل امساک و استمساک (نگه داشتن) است، همانطور که پای شتر را می‌بندند؛ بنابراین، از نظر او عقل مأخوذ از عقال شتر است، به معنای «بند بر پا بستن» و عقل را از آن جهت عقل می‌گویند که مانع از رفتن به سوی افعال نکوهیده می‌شود و انسان را از انجام دادن گناه و انحرافات اخلاقی بازمی‌دارد. «عقل در اصطلاح به معانی متعدد، از جمله صورت‌های عقلی، موجودات مجرد، تصورات و تصدیقاتی که از راه فطرت برای نفس حاصل شده‌اند و قوه درک که انسان به واسطه آن از جمادات، نباتات و حیوانات متمایز می‌شود به کار رفته است. بسیاری از فلاسفه، عقل را به همین معنای اخیر به کار برده‌اند. این معنی از عقل (قوه عاقله) که گاهی از آن به «عقل نظری» تعبیر شده، در مقابل «عقل عملی» قرار می‌گیرد و عقل عملی، همان قوه عامله ویژه انسان است که عهده‌دار تمام کارهای انسان است (پورصباغ و شجاعی، ۱۳۸۹: ۷۵). پیامبر خدا(ص) درباره جایگاه عقل می‌فرماید: «إِنَّ الْعَقْلَ عَقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ، وَالنَّفْسَ مِثْلُ أَحْبَثِ الدَّوَابِّ، فَإِنْ لَمْ تَعْقَلْ حَارَتْ» (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۰۵۵)؛ عقل، زانوبند جهل و نادانی است و نفس اماره، مانند شرورترین جنبندگان است که اگر پایش بسته نشود، به بیراهه می‌رود.

علامه مجلسی می‌نویسد: «إِنَّ الْعَقْلَ هُوَ تَعْقِلُ الْأَشْيَاءِ وَفَهْمَهَا فِي أَصْلِ اللَّغَةِ، وَاصْطَلَحَ إِطْلَاقَهُ عَلَيَّ أُمُورٍ: الْأُولَى هُوَ قُوَّةُ إِدْرَاكِ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ وَالتَّمْيِيزِ بَيْنَهُمَا، وَالتَّمَكُّنُ مِنْ مَعْرِفَةِ أَسْبَابِ الْأُمُورِ وَذَوَاتِ الْأَسْبَابِ، وَالعَقْلُ بِهَذَا الْمَعْنَى مَنَاطُ التَّكْلِيفِ وَالثَّوَابِ وَالعِقَابِ. الثَّانِي: مَلَكَةٌ وَحَالَةٌ فِي النَّفْسِ تَدْعُو إِلَى اخْتِيَارِ الْخَيْرِ وَالنَّفْعِ، وَاجْتِنَابِ الشَّرِّ وَالمُضَارَّةِ، وَبِهَا تَقْوَى النَّفْسِ عَلَى زَجْرِ الدَّوَاعِي الشَّهْوَانِيَّةِ وَ الغَضْبِيَّةِ، وَالسَّوَابِسِ الشَّيْطَانِيَّةِ... الثَّلَاثُ: الْقُوَّةُ الَّتِي يَسْتَعْمِلُهَا النَّاسُ فِي نِظَامِ أُمُورِ مَعَاشِهِمْ، فَإِنْ وَافَقَتْ قَانُونَ الشَّرْعِ وَاسْتَعْمَلَتْ فِيمَا اسْتَحْسَنَهُ الشَّرْعُ تَسْمَى بِعَقْلِ الْمَعَاشِ» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۰۱)؛ از نظر ایشان عقل در اصل تعقل اشياء و فهم آنها است و این اصطلاح به اموری اطلاق می‌شود: اول، قدرت ادراک خیر و شر، تشخیص آنها و شناخت اسباب اشیا و عقل به این معنا منشأ تکلیف، پاداش و کیفر است؛ دوم، قوه و حالتی در نفس که دعوت به انتخاب خیر و منفعت و دوری از بدی و زیان می‌کند و با

آن روح را در سرزنش تکانه‌های شهوانی، خشم‌آلود و زمزمه‌های شیطانی تقویت می‌کند؛ سوم، قدرتی که مردم از آن در تنظیم امور معیشتی خود استفاده می‌کنند و اگر موافق شرع باشد و در موردی که قانون‌گذار تصویب می‌کند استفاده شود، عقل معاش نامیده می‌شود.

علامه طباطبایی می‌نویسد: «کلمه عقل در لغت به معنای بستن و گره‌زدن است و به همین مناسبت ادراکاتی هم که انسان دارد و آنها را در دل پذیرفته و پیمان قلبی نسبت به آنها بسته، عقل نامیده‌اند، و نیز مدرکات آدمی و آن قوه‌ای را که در خود سراغ دارد و به‌وسیله آن خیر و شر و حق و باطل را تشخیص می‌دهد، عقل نامیده‌اند، و در مقابل عقل: جنون، سفاهت، حماقت و جهل قرار دارد که مجموع آنها کمبود نیروی عقل است» (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۷۱). ایشان معتقدند: «لفظ عقل از این باب بر ادراک اطلاق می‌شود که در ادراک عقد قلبی به تصدیق هست و انسان را به این جهت عاقل می‌گویند و به این خصیصه ممتاز از سایر جانداران می‌دانند که خدای سبحان انسان را فطرتاً این چنین آفریده که در مسائل فکری و نظری حق را از باطل و در مسائل عملی خیر را از شر، و نافع را از مضر تشخیص دهد، زیرا از میان همه جانداران او را چنین آفریده که در همان اول پیدا شدن و هست شدن خود را درک کند و بداند که او، اوست و سپس او را به حواس ظاهری مجهز کرده تا به وسیله آن، ظواهر موجودات محسوس پیرامون خود را احساس کند، ببیند و بشنود و بچشد و ببوید و لمس کند و نیز او را به حواسی باطنی چون: اراده، حب، بغض، امید، ترس و امثال آن مجهز کرده تا معانی روحی را به‌وسیله آنها درک کند و به‌وسیله آن معانی، نفس او را با موجودات خارج از ذات او مرتبط سازد و پس از مرتبط شدن، در آن موجودات دخل و تصرف کند، ترتیب دهد، از هم جدا کند، تخصیص دهد و تعمیم دهد و آنگاه در آنچه مربوط به مسائل نظری و خارج از مرحله عمل است، تنها نظر دهد و حکم کند، و در آنچه که مربوط به مسائل عملی است و مربوط به عمل است حکمی عملی کند، و ترتیب اثر عملی بدهد و همه این کارهایی را که می‌کند، بر طبق مجرای می‌کند که فطرت اصلی او آن را تشخیص داده، و این همان عقل است» (همان، ج ۲: ۲۷۴). عقل پنج کارکرد اساسی برای انسان دارد: «کارکرد نظری، که به معنای کشف حقایق نظری، واقعیت‌ها، هست‌ها و نیست‌هاست؛ کارکرد عملی یا همان ادراک حسن و قبح ذاتی افعال، کارکرد ابزاری یا تدبیر و اصلاح امور زندگی و سامان‌بخشی به معاش دنیوی؛ کارکرد استنباطی، فهم منظور متکلم، فهم مفهوم، فهم مقدمات و لوازم نص، مقایسه عام با خاص و مطلق با مقید و جمع‌بندی آنها و به‌طور کلی مطالبی که در مباحث الفاظ علم اصول مطرح می‌شود؛ کارکرد دفاعی، که منظور از دفاع، دفاع به معنای عام کلمه است؛ یعنی اقداماتی که متکلم پس از استنباط آموزه‌های دینی و در مواجهه با مخاطب، جهت زمینه‌سازی برای اعتقاد او به دین انجام می‌دهد» (برنجکار، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۲۸).

تربیت عقلانی: «نام‌های بسیاری را می‌توان بر این نوع از تربیت اطلاق نمود. به این نوع تربیت،

عقلانی گویند، چون نیروی عقل یا ذهن را افزایش می‌دهد. به آن عقلی یا شناختی گویند، چون هم با اشخاص خردمند تناسب دارد و هم عقل و قدرت استدلال افراد را افزایش می‌دهد. به این شکل از تربیت، تربیت عمومی هم اطلاق می‌شود، زیرا عمومی‌ترین حوزه‌های دانش را که انتظار می‌رود یک شخص از آن برخوردار باشد، شامل می‌شود. انواع گوناگون تعلیم و تربیت که اصطلاحاً اخلاقی، سیاسی، زیبایی‌شناختی و... نام گرفته‌اند، همه از مؤلفه‌های شناختی یا عقلانی برخوردارند. با این حال، مؤلفه شناختی به قدری اهمیت دارد که به ویژه تأکید بر تعلیم و تربیتی که غایت یا هدف مستقیم آن دانستن و فهمیدن است، امری حیاتی و سرنوشت‌ساز است» (الیاس^۱، ۱۳۸۵: ۲۹). «تربیت عقلانی، مجموع روش‌هایی است که به گونه‌ای منظم و سازمان‌یافته موجب رشد و پرورش عقل در دو جنبه نظری و عملی در جهت دستیابی به اهداف واسطه‌ای علم، ایمان و عمل و نیل به هدف غایی قرب الهی هستند» (بهشتی، ۱۳۸۹: ۸۹). تربیت عقلانی مبین پرورش خرد و به‌کارگیری اندیشه است و بر پرورش قدرت عقلی، آموزش اندیشیدن و داوری عقلی استوار است، به عبارت دیگر تربیت عقلانی فرایند شکوفاسازی ظرفیت‌های اکتسابی ذهن و ارزش‌های عقلی نظر و عمل است.

«برای پرورش عقل آدمی، در شرق و غرب عالم و از قرون باستان تا عصر حاضر، تلاش‌های بسیاری چه از حیث نظری و چه از حیث عملی انجام شده است؛ اما از آنجا که عقل آدمی با همه قوت و قدرت‌اش، چه بسا گرفتار خطا، گمراهی و بازنشناختن حق و صواب می‌شود، با گذشت زمان و روشن شدن افق‌ها و چشم‌اندازهای نو، بسیاری از این نظریه‌ها کنار گذاشته می‌شوند. وانگهی نظام‌های آموزشی مبتنی بر این نظریه‌ها نیز با پیشرفت و آشکارشدن حقایق، دستخوش تغییر می‌شوند و گاه روبه‌زوال می‌نهند. به دلیل همین محدودیت و نقص و کمبود عقلانی است که خداوند گروهی که در روایتی «حجت بیرونی» نامیده شده‌اند را مأمور تکمیل و تربیت عقول محدود و ضعیف بشری کرده است که «حجت درونی» نام گرفته‌اند» (همان: ۸۱). «بدین‌سان شریعت یا عقل بیرونی، برای پرورش و شکوفایی و هدایت، عقل یا شریعت درونی است؛ از اینجا آشکار می‌شود که عقل و دین نه تنها با یکدیگر ناسازگار نیستند، بلکه با هم در هماهنگی و هم‌خوانی‌اند. دعوت قرآن به تفکر و تدبیر در باب مبدأ و معاد، ضرورت وجود دین و نبوت، درخواست قرآن از کفار و مشرکان برای ارائه دلیل و برهان، تصریح اخبار و روایات بر معیاربودن عقل در شناخت حقایق هستی و دعوت بزرگان معصوم «علیهم‌السلام» از مردم به تعقل و تفکر درباره این حقایق، همگی بیان‌کننده شأن و منزلت ویژه‌ای است که کامل‌ترین دین آسمانی برای عقل قائل است» (همان: ۸۲).

مبانی و شیوه‌های پرسش و پاسخ در قرآن کریم

قرآن کریم در بیان اهداف خود، از اسلوب‌ها و روش‌های متنوعی استفاده کرده است. پرسش و پاسخ یکی از روش‌های تربیتی قرآن است که هدف آن تحریک انسان به تفکر و تعقل می‌باشد. «در قرآن کریم اسلوب استفهام و پرسش ۱۲۶۰ مرتبه به کار رفته است» (رنجبر، ۱۳۸۹: ۶). قرآن کریم در استفاده از روش پرسش و پاسخ به چند شیوه عمل می‌کند که عبارتند از: «روش مستقیم و صریح، روش انگیزشی و توییحی، روش ارجاع به درون و پرسش از خود، روش مقایسه و تمثیل و روش اظهار اعجاب و شگفتی» (فلاح، ۱۳۹۸: ۹۱).

۱. شیوه مستقیم و صریح: «در این شیوه خداوند به صراحت پرسشی را مطرح می‌کند و خود آن را به شکل مستقیم و صریح پاسخ می‌گوید. این روش در قرآن کریم صورت‌های مختلفی دارد:

- گاهی در قرآن خداوند متعال بدون واسطه به طرح پرسش و پاسخ می‌پردازد.
- گاهی در قرآن خداوند از زبان مردم به طرح پرسش پرداخته و خود پاسخ آن را می‌دهد.
- گاهی در قرآن خداوند از زبان پیامبر (ص) پرسشی طرح نموده و خود پاسخ آن را می‌دهد.
- گاهی در قرآن خداوند پرسش‌هایی را طرح نموده و به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که به این پرسش‌ها پاسخ دهد.

- گاهی در قرآن خداوند پرسش‌هایی را مطرح نموده و پاسخی به آن نمی‌دهد» (فلاح، ۱۳۹۸: ۹۲).
در ادامه نمونه‌هایی از تحلیل محقق درباره کاربرد شیوه پرسش و پاسخ مستقیم و صریح در قرآن کریم و موضوعات آنها، به صورت جدول ارائه شده است که بدین شرح است:

جدول شماره ۱. کاربرد روش پرسش و پاسخ مستقیم و صریح در آیات قرآن کریم

درون‌مایه اصلی	درون‌مایه فرعی	مصدق (نمونه آیات)
شیوه پرسش	مسئله توحید و ربوبیت خداوند، رزاقیت خداوند، خالقیت خداوند، مالکیت خداوند و تدبیر امور انسان‌ها از سوی او	سوره یونس، ۳۱: «قُلْ مَنْ يُزِقُّكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ؛ بگو کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌بخشد؟ یا کیست که حاکم بر گوش‌ها و دیدگان است؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده خارج می‌سازد؟ و کیست که کارها را تدبیر می‌کند؟ خواهند گفت خدا، پس بگو آیا پروا نمی‌کنید؟».
	مسئله حصر رسالت بر بشر عادی و معمولی، دعوت به توجه و تفکر در سرگذشت امت‌های سابق و سنت قضای الهی	یوسف، ۱۰۹: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَفَلَمْ يَسْبِغُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَلَّا وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَتَّقُلُونَ؛ و پیش از تو [نیز] جز مردانی از اهل شهرها را که به آنان وحی می‌کردیم نفرستادیم؟ آیا در زمین نگردیده‌اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده‌اند بنگرند؟ و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگاری کرده‌اند بهتر است، آیا نمی‌اندیشید؟».
	دعوت به تفکر در	غاشیه، ۱۷: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ؛ آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده

درون‌مایه اصلی	درون‌مایه فرعی	مصادق (نمونه آیات)
	مخلوقات و نعمات الهی	شده است؟».
	مسئله الهی و ملکی بودن روح انسان	اسراء، ۸۵: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا؛ و درباره روح از تو می‌پرسند، بگو روح از [سرخ] فرمان پروردگار من است و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است».
	گام نهادن در راه ایمان، رشد و رستگاری و پیروی از دستورات خداوند	بقره، ۱۸۶: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ؛ و هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند».
شیوه پرسش و پاسخ و مستقیم و صریح	احکام مربوط به مسائل فقهی نظیر: احکام غنایم جنگی، شرب خمر، قمار، ماه‌های حرام، انفاق و...	انفال، ۱: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».
		بقره، ۲۱۹: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ».
		بقره، ۲۱۷: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَ الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ...».
		بقره، ۲۱۵: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ وَ الْيَتَامَى وَ الْأَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا نَفَعُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ».
		بقره، ۱۸۹: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَ الْحَجَّ...».
	مسائل اخلاقی؛ توجه به اصلاح امور یتیمان	بقره، ۲۲۰: «... وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِضْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَ إِن تَخَالِطُوهُمْ فَآخِزُوهُمْ...؛ و درباره یتیمان از تو می‌پرسند، بگو به صلاح آنان کار کردن بهتر است و اگر با آنان همزیستی کنید».
	معادشناسی؛ زمان وقوع قیامت و حوادث آن نظیر وضعیت انسانها، ماه، خورشید، کوه‌ها و...	قیامه، ۶-۹: «يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ؛ فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ؛ وَ حَسَفَ الْقَمَرُ؛ وَ جَمَعَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ؛ از این رو می‌پرسند قیامت کی خواهد بود؟ بگو در آن هنگام که چشم‌ها از شدت وحشت به گردش درآید، و ماه بی‌نور گردد و خورشید و ماه یک جا جمع شوند».
		اعراف، ۱۸۷: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي...؛ از تو درباره قیامت می‌پرسند [که] وقوع آن چه وقت است؟ بگو علم آن تنها نزد پروردگار من است».
		طه، ۱۰۵: «وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا؛ و از تو درباره کوه‌ها می‌پرسند، بگو پروردگارم آنها را [در قیامت] ریزیز خواهد ساخت».

۲. شیوه انگیزشی و توبیخی: برخی از پرسش‌های قرآنی جنبه عاطفی دارند، زمینه‌ای را برای رسیدن به حق و هدایت فراهم می‌کنند و از آن به‌عنوان ابزار برای توجه و ایجاد انگیزه برای تغییر رویکرد افراد استفاده می‌شود. این‌گونه پرسش‌ها و پاسخ‌ها با تأثیر بر قوای ادراکی و شناختی، فرد را وادار به فهم و تفکر

می‌کنند؛ به عنوان مثال، قرآن کریم برخی افراد که گمان‌ها و پندارهای باطل درباره نسبت خود و هستی دارند و خلق عالم را تصادفی می‌دانند و با چنین اعتقادی زندگی می‌کنند را با سؤال مورد خطاب قرار داده و با روش پرسش و پاسخ می‌خواهد آنان را به جهت عاطفی درگیر کرده و متوجه خطا و اشتباه‌شان بنماید؛ این نوع پرسش و پاسخ در قرآن در راستای روشنگری اعتقادی و باطل خواندن برخی عقاید آنها درباره خدا، حیات و زندگی است که قرآن با طرح پرسش آن را به میان آورده است. در ادامه نمونه‌هایی از تحلیل محقق درباره کاربرد شیوه پرسش و پاسخ انگیزشی و توبیخی در قرآن کریم و موضوعات آنها به صورت جدول ارائه شده است که بدین شرح است:

جدول شماره ۲. کاربرد روش پرسش و پاسخ انگیزشی و توبیخی در قرآن کریم

درون‌مایه اصلی	درون‌مایه فرعی	مصادیق (نمونه آیات)
توبیخ ضلالت و گمراهی مشرکان و دوزخیان در دنیا و آخرت	توبیخ ضلالت و گمراهی مشرکان و دوزخیان در دنیا و آخرت	شوری، ۹: «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَالَ اللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَ هُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ آیا به جای او دوستانی برای خود گرفته‌اند؟ خداست که دوست راستین است و اوست که مردگان را زنده می‌کند و اوست که بر هر چیزی تواناست.» قصص، ۷۴: «وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ؛ و [باد کن] روزی را که ندایشان می‌کند و می‌فرماید آن شریکان که می‌پنداشتید کجایند؟».
	اشکار شدن چهره واقعی منافقان بيمار دل	محمد، ۲۹: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ؛ آیا کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست پنداشتند که خدا هرگز کینه آنان را آشکار نخواهد کرد؟».
شیوه پرسش و پاسخ	توجه و تفکر در حسن تدبیر خداوند نسبت به موجودات زنده	سجده، ۲۷: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ؛ آیا ننگریسته‌اند که ما باران را به سوی زمین بایر می‌رانیم و به وسیله آن کشته‌ای را برمی‌آوریم که دام‌هایشان و خودشان از آن می‌خورند، مگر نمی‌بینند؟».
توجه و تفکر در خلقت هستی و حصر شفاعت برای خداوند متعال و لزوم اطاعت و پیروی از او	توجه و تفکر در خلقت هستی و حصر شفاعت برای خداوند متعال و لزوم اطاعت و پیروی از او	یونس، ۳: «إِنْ رَبُّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْ بَدَأَ إِذْ بَدَأَ إِلَهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَدْرُونَ؛ پروردگار شما آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش هنگام آفرید، سپس بر عرش استیلا یافت، کار [آفرینش] را تدبیر می‌کند، شفاعتگری جز پس از اذن او نیست، این است خدا پروردگار شما، پس او را بپرستید، آیا پند نمی‌گیرید؟».
توجه و تفکر در هدمندی خلقت انسان	توجه و تفکر در	مومنون، ۱۱۵: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ؛ آیا پنداشتند که شما را بی‌هوده آفریده‌ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟».
تفکر و شناخت نسبت به راه‌های نفوذ شیطان در انسان	تفکر و شناخت نسبت به راه‌های نفوذ شیطان در انسان	شعراء، ۲۲۱ و ۲۲۲: «هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ؛ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ؛ آیا شما را خبر دهم که شیاطین بر چه کسی فرود می‌آیند، بر هر دروغ‌سازان گناهکاری فرود می‌آیند.».
توجه به گام نهادن در	توجه به گام نهادن در	کهف، ۱۰۳ و ۱۰۴: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا، الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ

درون‌مایه اصلی	درون‌مایه فرعی	مصدق (نمونه آیات)
	مسیر دین، حق و فطرت و اجتناب از گمراهی و ضلالت	الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا؛ بگو آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم؛ [آنان] کسانی‌اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند».

۳. شیوه ارجاع به درون و پرسش از خود: یکی از شیوه‌های طرح پرسش در قرآن کریم که با عواطف، تمایلات و گرایش‌های مخاطب ارتباط برقرار می‌کند، شیوه ارجاع به درون و پرسش از خود است. حب و بغض، نفرت و شوق، بیم و امید از نمونه‌های عاطفی هستند که قرآن با طرح سؤالاتی انسان را نسبت به آنها تحریک می‌کند و به‌وسیله آن ایجاد انگیزه می‌نماید. در این صورت فرد با مراجعه به درون و بازخورد درونی پاسخ را درمی‌یابد. قرآن کریم با ایجاد پرسش شخص را وادار به مراجعه درونی می‌کند و پاسخ به این سؤال، یک فهم باطنی و تجربه درونی است که بیدارکننده وجدان و فطرت آدمی است که انسان را وادار به تفکر در آفرینش و خلقت ساخته و زمینه‌های معرفتی و عاطفی پذیرش حق را در افراد فراهم می‌کند. قرآن با این روش عواقب مسئله یا پیامدهای آنها را برای آنان گوشزد می‌کند و قضاوت و داوری آنان را طلب می‌کند. این نوع سؤالات، پرسش‌هایی هستند که به عنوان تکنیک یا شیوه‌های تأثیرگذاری در روش موعظه و تذکر از آنها استفاده می‌شود، زیرا «انسان به دلیل برخورداری از شئون مختلف و درگیری‌های ذهنی، پوسته در معرض فراموشی و غفلت قرار می‌گیرد و چه بسا ضروری‌ترین چیزهایی را که در مسیر تکامل خود به آن نیازمند است، از یاد می‌برد و در نتیجه با کژی‌ها و کاستی‌های فراوانی، به خصوص در بعد معنوی روبه‌رو می‌شود. تذکر می‌تواند با یادآوری و هوشیار کردن انسان تا حدی این مشکل را حل و از آسیب‌های آن بکاهد و به سیر انسان به سوی کمال کمک نماید» (قائمی مقدم، ۱۴۰۰، ج ۱: ۲۹). در ادامه نمونه‌هایی از تحلیل محقق درباره کاربرد شیوه پرسش و پاسخ ارجاع به درون در قرآن کریم و موضوعات آنها به صورت جدول ارائه شده است که بدین شرح است:

جدول شماره ۳. کاربرد روش پرسش و پاسخ ارجاع به درون و پرسش از خود در قرآن کریم

درون‌مایه اصلی	درون‌مایه فرعی	مصدق (نمونه آیات)
شیوه پرسش و پاسخ ارجاع به درون	توجه و تفکر در مسئله توحید و مبدأ بودن خداوند برای صنع و ایجاد	انعام، ۴۶: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَحَمَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيَكُمْ بِهِ أَنْظُرُ كَيْفَ نَصَرَفَ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ؛ بگو به نظر شما اگر خدا شنوایی شما و دیدگانتان را بگیرد و بر دل‌هایتان مهر نهد، غیر از خدا کدام معبودی است که آن را به شما بازپس دهد؟ بنگر چگونه آیات [خود] را [گونگون] بیان می‌کنیم سپس آنان روی برمی‌تابند».
	توجه و تفکر در آیات	ذاریات، ۲۱: «وَفِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ؛ و در خود شما، پس نمی‌بینید؟»؛ انسان، ۲۹:

درون‌مایه اصلی	درون‌مایه فرعی	مصدق (نمونه آیات)
	انفسی و شناخت انسان	«هَلْ أُنِى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا؛ آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود؟».
	توجه و تفکر در آیات آفاقی و شناخت خداوند متعال	ملک، ۳: «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَؤُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِن فُطُورٍ؛ همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید در آفرینش آن [خدای] بخشایشگر هیچ‌گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی بینی، باز بنگر آیا خلل [و نقصانی] می بینی؟».
	لزوم توجه به توبه و استغفار و مغفرت و رحمت الهی	مائده، ۷۴: «أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَهُ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ چرا به درگاه خدا توبه نمی‌کنند و از وی آمرزش نمی‌خواهند و خدا آمرزنده مهربان است».
	دعوت به نیکی و احسان	الرحمن، ۶۰: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ؛ مگر پاداش احسان، جز احسان است».

۴. شیوه مقایسه و تمثیل: قرآن کریم به وسیله طرح پرسش انسان را وادار به مقایسه می‌کند؛ چنین قیاسی منجر به تلاش فکری و در نهایت تسلیم مخاطب در مقابل حق خواهد شد؛ برای مثال، در بسیاری از آیات، خداوند متعال این پرسش را مطرح می‌کند که بین این پروردگار و بت‌هایی که سود و زیان خود را نمی‌دانند، کدام را ولی و سرپرست خود قرار می‌دهید و آنگاه در مقام مقایسه و بهره‌گیری از تمثیل می‌فرماید: آیا کور و بینا و تاریکی و نور یکی هستند؟ طی این مقایسه فرد نسبت به باور و اعتقاد پیشین خود دچار شک و تردید می‌شود و به تدریج برای پذیرش حق آمادگی پیدا می‌کند. در ادامه نمونه‌هایی از تحلیل محقق درباره کاربرد شیوه پرسش و پاسخ مقایسه و تمثیل در قرآن کریم و موضوعات آنها به صورت جدول ارائه شده است که بدین شرح است:

جدول شماره ۴: کاربرد روش پرسش و پاسخ مقایسه‌ای و تمثیل در قرآن کریم

درون‌مایه اصلی	درون‌مایه فرعی	مصدق (نمونه آیات)
پرسش و پاسخ به شیوه مقایسه‌ای و تمثیل	تفکر درباره توحید، ربوبیت و خالقیت خدای متعال در برابر خدايان مشرکین	نحل، ۱۷: «أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ؛ پس آیا کسی که می‌آفریند مانند کسی است که نمی‌آفریند؟ آیا پند نمی‌گیرید؟». رعد، ۱۶: «قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلِ أَفَاتَّخَذْتُم مِّن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَّا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ نَفْعًا وَ لَّا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ النَّبِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَ النُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ؛ بگو پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟ بگو خدا، بگو پس آیا جز او سرپرستانی گرفته‌اید که اختیار سود و زیان خود را ندارند؟ بگو آیا نابینا و بینا یکسانند؟ یا تاریکی‌ها و روشنایی برابرند؟ یا برای خدا شریکانی پنداشته‌اند که مانند آفرینش او آفریده‌اند و در نتیجه [این دو] آفرینش بر آنان مشتبه شده است؟ بگو خدا آفریننده هر چیزی است و اوست یگانه قهار». نازعات، ۲۷: «أَلَيْسَ أَشَدَّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا، آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمانی که [او]

درون‌مایه اصلی	درون‌مایه فرعی	مصادق (نمونه آیات)
		آن را برپا کرده است؟».
	برتری آخرت بر نعمات و لذات دنیا	قصص، ۶۰: «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ، و هر آنچه به شما داده شده است کالای زندگی دنیا و زیور آن است [ولی] آنچه پیش خداست بهتر و پایدارتر است، مگر نمی‌اندیشید؟».
	توجه و تفکر در آثار و پیامدهای ایمان و کفر	فصلت، ۴۰: «...أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَبِيرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ آیا کسی که در آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که روز قیامت آسوده خاطر می‌آید؟ هر چه می‌خواهید بکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست».
	توجه و تفکر در کردارها و رفتارها مبتنی بر عدالت و میانه‌روی و اجتناب از افراط و تفریط	نحل، ۷۶: «وَوَصَّيْنَا اللَّهَ مَثَلًا لِرَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجَّهُهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ و خدا مثلی [دیگر] می‌زند دو مردند که یکی از آنها لال است و هیچ کاری از او بر نمی‌آید و او سربار صاحبش می‌باشد، هر جا که او را می‌فرستد خبری به همراه نمی‌آورد، آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راه راست است یکسان است؟».

۵. شیوه اظهار اعجاب و شگفتی: «از دیگر شیوه‌هایی که قرآن با روش پرسش و پاسخ آن را اجرا می‌کند، اظهار شگفتی است. خداوند متعال در قرآن کریم با اظهار شگفتی سعی می‌کند بیان کند که چنین عقیده‌ای دور از عقل، خرد و بینش است» (فلاح، ۱۳۹۸: ۹۹). علامه جعفری معتقد است: «تعجب و شگفتی عبارت است از آن حالت ذهنی که ناشی از توقف ذهن آدمی در برابر موضوع یا رویدادی است که بیرون از دایره قوانین و اصول شناخته‌شده است و به طور عمومی بیرون از معلومات و شرایط درونی خود که بایسته‌ها و شایسته‌های معینی را برای خود تثبیت نموده است، به وجود می‌آید. گاهی این پدیده ذهنی (تعجب و شگفتی)، ناشی از رویارویی با مافوق بایسته‌ها و شایسته‌های تثبیت‌شده در ذهن می‌باشد و گاهی پست‌تر از آن و گاه دیگر مغایر با آن‌ها بدون بالاتر یا پایین‌تر بودن موضوع یا رویداد از بایسته‌ها و شایسته‌های ذهنی» (جعفری، ۱۳۶۹: ۷). «در پرسش و پاسخ به شیوه اظهار اعجاب و شگفتی با نشان دادن تعجب، پوشیده و مهم بودن علت و عامل یک عقیده اظهار می‌گردد و شخص را وادار به تأمل و تفکر می‌کند؛ لذا این اظهار تعجب از عوامل پوشیده و پنهانی که سبب شکل‌گیری یک عقیده باطل شده، زمینه شکل‌گیری معرفت صحیح را فراهم می‌کند. البته تعجب بیشتر بعد عاطفی شخص را درگیر می‌کند و زمینه شکل‌گیری تفکر معرفتی را فراهم می‌آورد، چراکه همواره نسبت به اینکه دیگران رفتار یا افکار ما را عجیب و ناباورانه تلقی کنند احساس خوشایندی نداریم. از این‌رو، نسبت به نوع رفتار و عقاید خود تجدیدنظر کرده و آنها را بازخوانی می‌کنیم» (فلاح، ۱۳۹۸: ۱۰۰). در ادامه نمونه‌هایی از تحلیل محقق درباره کاربرد شیوه پرسش و پاسخ اظهار اعجاب و شگفتی در قرآن کریم و موضوعات آنها

به صورت جدول ارائه شده است که بدین شرح است:

جدول شماره ۵. کاربرد روش پرسش و پاسخ اظهار اعجاب و شگفتی در قرآن کریم

درون‌مایه اصلی	درون‌مایه فرعی	مصادیق (نمونه آیات)
پرسش و پاسخ به شیوه اظهار اعجاب و شگفتی	نفی تعجب و شگفتی برای خداوند با هدف اثبات حقانیت و خالقیت او	کَهْف، ۹: «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا؛ آیا پنداشتی که اصحاب کَهْف و رَقِيم (خفتگان غار لوحه‌دار) از نشانه‌های شگفت‌آور ما بودند؟». واقعه، ۵۹: «أَلَمْ تَكُنْ تَخْلُقُوهُمْ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ؛ آیا شما آن را خلق می‌کنید یا ما آفریننده‌ایم؟». صافات، ۱۱ و ۱۲: «فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ؛ بَلَىٰ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ؛ پس [از کافران] بپرس آیا ایشان [از نظر] آفرینش سخت‌ترند یا کسانی که [در آسمان‌ها] خلق کردیم؟ ما آنان را از گلی چسبیده پدید آوردیم، بلکه [تو] عجب می‌داری و [آنها] ریشخند می‌کنند».
تأکید بر پذیرش معاد	رعد، ۵: «وَإِنْ تَعَجَبَ فَعَجِبْ قَوْلِهِمْ أَيَّدَا كُنَّا تُرْبًا أَمْ إِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُزَيِّرُوكَ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ پس اگر شگفت آری، شگفت از گفتار آنان است که می‌گویند: راستی وقتی خاک شدیم از نو زنده می‌شویم؟! آنان کسانی هستند که به پروردگارشان کافر شده‌اند، آنان به گردن‌هایشان گل‌ها دارند، آنان اهل جهنم‌اند و در آن جاودانه‌اند».	
تأکید بر پذیرش رسالت انبیاء	یونس، ۲: «أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ؛ آیا برای مردم شگفت‌آور است که به مردی از خودشان وحی کردیم که مردم را بیم ده و به کسانی که ایمان آورده‌اند مژده ده که برای آنان نزد پروردگارشان سابقه نیک است، کافران گفتند این [مرد] قطعاً افسونگری آشکار است».	

نتایج

خداوند متعال در قرآن کریم برای راهنمایی و هدایت انسان‌ها از روش‌های مختلفی بهره برده است. یکی از این روش‌ها که در آیات قرآن کریم به فراوانی یافت می‌شود و در همه ابعاد اعتقادی، فقهی، اخلاقی، عقلانی و... به‌کار رفته است، روش پرسش و پاسخ است تا به وسیله آن به پرورش تفکر در انسان‌ها پرداخته و موجبات تربیت عقلانی آنان را فراهم کند. از امتیازات برجسته انسان قوه تفکر است؛ نیرویی ذاتی و خدادادی که به ذات وی مساوی و مقوم ماهیت نوعی و فصل‌میز او از سایر موجودات است. اگر تربیت از چشم‌انداز قرآنی و با توجه به الگوها و موازین عقلانی نگریسته شود، جذبه‌ای دوچندان خواهد یافت، زیرا امور تربیتی از نگاه قرآن، صرفاً وسیله‌ای برای سامان‌دهی به رفتار این‌جهانی آدمی با هدف نظم و انتظام‌بخشیدن به زندگی مادی او نیست، بلکه برای هدفی والاتر و پی‌ریزی بنای حیات ابدی او نازل شده است. در این پژوهش سعی شد تا با استفاده از روش تحلیل مضمون، شیوه‌های

پرسش و پاسخ در قرآن کریم تحلیل و بررسی شود تا بتوان دلالت‌های آن برای تربیت عقلانی را استنباط نمود که عبارتند از:

- ترغیب و تشویق فرد در کسب شناخت و معرفت نسبت به ربوبیت خداوند متعال، رزاقیت، خالقیت، مالکیت و تدبیر امور انسان توسط او؛

- آشناساختن فرد با صفات خداوند متعال نظیر: علم به حقایق، حکمت، حیات (حیّ)، زنده و پاینده، قیومیت (تدبیرگر امور موجودات، حافظ و تربیت‌کننده انسان)، قدرت، عدل، رحمت و رأفت؛

- ایجاد شناخت، معرفت، علاقه و گرایش قلبی در فرد نسبت به پذیرش باورها و ارزش‌های دینی و پایبندی به آنها؛

- ترغیب و تشویق فرد به کسب شناخت و معرفت نسبت به انبیاء الهی و امامان معصوم (ع) و پیروی از آنها؛

- بازداشتن فرد از کسب عقاید و باورهای غیردینی به وسیله معرفت‌افزایی و کسب بینش؛

- دعوت به توجه و تفکر در سرگذشت امت‌های پیشین، سنت قضای الهی با هدف عبرت‌آموزی از آثار و حیات دنیوی اقوام و ملل گذشته به منظور پرورش روحیه حق‌پرستی و آخرت‌گرایی؛

- ترغیب و تشویق فرد به تفکر در مخلوقات الهی و چگونگی خلقت و آفرینش آنها؛

- ترغیب و تشویق فرد به تفکر در نعمت‌های الهی و چگونگی استفاده صحیح از آنها؛

- ترغیب و تشویق فرد به کسب شناخت و معرفت در زمینه حقیقت انسان و مراتب نفس او؛

- ترغیب و تشویق فرد به گام نهادن در راه ایمان، حق، رستگاری و پیروی از دستوره‌های خداوند متعال؛

- آشناساختن فرد با راه‌های مختلف نفوذ و تسلط شیطان بر انسان؛

- آشناساختن فرد با مسائل فقهی و مبانی آن؛

- آشناساختن فرد با مسائل و ارزش‌های اخلاقی نظیر: خیر، نیکی، احسان و نیکوکاری، میانه‌روی و اعتدال؛

- ترغیب و تشویق فرد نسبت به کسب معرفت و شناخت نسبت به معاد، نشانه‌ها و حوادث آن و وضعیت انسان‌ها در آن جهان؛

- ایجاد فرصت‌های آموزشی و یادگیری جهت شناخت صحیح از ماهیت دنیا و آخرت، آگاهی از رابطه درست و منطقی میان دنیا و آخرت، توانایی و مهارت در آبادانی دنیا و توسعه رفاه و پیشرفت مادی و یادگیری سبک تفکر و زندگی به شیوه دنیاگرای آخرت‌طلب؛

- الگو گرفتن از نمونه‌ها و الگوهای بارز تقوا و افراد خداشناس که برای اصلاح امور دنیوی و اخروی خود.

پیشنهاد

در این راستا به علاقه‌مندان حوزه تربیت پیشنهاد می‌شود علاوه بر دلالت‌هایی که در تحقیق حاضر بررسی شد، به سایر نظریات و دیدگاه‌های مطرح شده در زمینه تربیت عقلانی توسط اندیشمندان و فیلسوفان اسلامی و روایات موجود در این زمینه توجه داشته باشند و از روش‌های تدریس متنوع و اثربخش، در امر خطیر تعلیم و تربیت استفاده کنند؛ چراکه تربیت عقلانی یکی از مسائل مهم و دشوار در تعلیم و تربیت است و با توجه به کارکردهای اساسی که عقل در سطوح مختلف نظری، عملی، ابزاری، استنباطی و دفاعی برای انسان دارد، توجه به این مسئله بیش از پیش اهمیت و ضرورت داشته و زمینه لازم را جهت هدایت آزادانه و آگاهانه متریبان در راستای دستیابی به غایت زندگی انسان (قرب الی الله)، فراهم می‌نماید.

فهرست منابع

- قرآن کریم. (مترجم: محمد مهدی فولادوند). قم: پیام عدالت.
- الیاس، جان. (۱۳۸۵). فلسفه تعلیم و تربیت. (چاپ ۲). (مترجم: عبدالرضا ضرابی). قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- باقری، خسرو. (۱۳۹۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. (ج ۱). (چاپ ۲۵). تهران: مدرسه.
- برنجکار، رضا. (۱۳۹۱). روش‌شناسی علم کلام. (ج ۱). (چاپ ۱). قم: دارالحدیث.
- بهشتی، سعید. (۱۳۸۹). تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت. (چاپ ۱). تهران: بین الملل.
- پورصباغ، محمد و شجاعی، محمدصادق. (۱۳۸۹). درآمدی بر روانشناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی. (چاپ ۱). قم: دارالحدیث.
- جعفری، محمدمتقی. (۱۳۹۰). زیبایی و هنراز دیدگاه اسلام. (چاپ ۷). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- حسینی‌زاده، علی و زارعی، زهرا. (۱۴۰۰). بررسی اهمیت و جایگاه شیوه تربیتی پرسش و پاسخ در قرآن. معرفت، ۳۰(۲۸۵)، ۱۱-۱۸.
- خنیفیر، حسین و مسلمی، ناهید. (۱۳۹۷). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی. (چاپ ۳). تهران: نگاه دانش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. (چاپ ۲). بیروت: الدارالعلم.
- رنجبر، زهرا. (۱۳۸۹). کارکردهای تربیتی پرسش در قرآن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصول‌الدین، قم.
- ستاری، علی. (۱۴۰۰). آموزش تفکر به کودکان و نوجوانان. (چاپ ۳). تهران: سمت.
- سجادی، نرگس و دیالمه، نیکو و طوسی، سارا. (۱۳۹۶). رویکردی تربیتی به کارکردهای پرسش از منظر قرآن کریم. کتاب‌قیم، ۷(۱۶)، ۶۹-۹۰.
- شریعتی، سید صدرالدین. (۱۳۹۱). بررسی واژه تربیت در قرآن و سنت: نقدی بر به‌کارگیری واژه تربیت در معانی دینی. روان‌شناسی تربیتی، ۸(۲۳)، ۶۱-۷۲.
- شعبانی، حسن. (۱۳۹۰). مهارت‌های آموزشی و پرورشی. (ج ۱). (چاپ ۲۴). تهران: سمت.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۵). تفسیر المیزان. (ج ۲). (چاپ ۴). (مترجم: محمدباقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فلاح، محمدجواد. (۱۳۹۸). گونه‌های روش پرسش و پاسخ و کاربرد آن در پاسخ به مسائل اعتقادی از دیدگاه قرآن. اندیشه نوین دینی، ۱۵(۵۹)، ۸۹-۱۰۲.
- فیاض، ایراندخت. (۱۳۸۸). پرسشگری راهبرد هویت‌پایدار دینی در قرآن کریم. تعلیم و تربیت، ۲۵(۹۸)، ۳۳-۶۶.
- قائم‌مقدم، محمدرضا. (۱۴۰۰). روش‌های تربیتی در قرآن. (ج ۱). (چاپ ۶). تهران: سمت.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۳). بحارالانوار. (ج ۱). (چاپ ۲۱). تهران: موسسه دارالکتب اسلامی.
- محمدی‌شهری، محمد. (۱۳۷۵). میزان الحکمه. (ج ۳). (چاپ ۴). قم: دارالحدیث.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۲). تفسیر نمونه. (ج ۸). (چاپ ۳۲). تهران: دارالکتب اسلامی.

References

- Bagheri, Kh. (2011). *A new look at Islamic education*. Tehran: madreseh (in Parsian).
- Beheshti, S. (2010). *Philosophical reflections on education*. Tehran: International (in Persian).
- Brajnkar, Reza (2012). *Methodology of linguistics*. Qom: Dar al-Hadith (in Persian).
- Elias, J. (2015). *Philosophy of Education*. Qom: the Imam Khomeini Educational and Research Institute (in Persian).
- Fallah, M. J. (2018). Types of question and answer method and its application in response to religious issues from the perspective of the Qur'an. *New Religious Thought*, 15(59), 89-102 (in Persian).
- Fayaz, E. (2008). questioning; The strategy of sustainable religious identity in the Holy Quran. *Education*, 25(98), 33-66 (in Persian).
- Grover H. A. (1992). The Lecture Method versus the Question-and-Answer Method, *The School Review*, Vol. 30, No. 3. pp. 205-209.
- Ghaemi Moghadam, M. (2021). *Educational methods in the Qur'an*. Tehran: Samit (in Parsian).
- Jafari, M.T. (1990). *Beauty and art from the perspective of Islam*. Tehran: Islamic Propaganda Organization (in Persian).
- Hosseini zadeh, A. and Zarei, Z. (2021). Investigating the importance and place of educational method of question and answer in Quran. *Marafet*, 30(285), 11-18 (in Persian).
- Khanifar, H. and Muslemi, N. (2017). *Principles and basics of qualitative research methods*. Tehran: Negah Danesh (in Persian).
- King, N., & Horrocks, C. (2019), *Interviews in qualitative research*. London: Sage.
- Majlesi, M. (1995). *Bahar Al-Anwar*. Tehran: Islamic Book Institute (in Arabic)
- Mohammadi Rishahri, M (1375). *The amount of wisdom*. Qom: Dar al-Hadith (in Arabic).
- Makarem Shirazi, N. (2003). *Sample interpretation*. Tehran: Islamic Library (in Persian).
- Poursabagh, M. and Shujaei, M.S. (2008). *An introduction to the psychology of behavior regulation with an Islamic approach*. Qom: Dar al-Hadith (in Persian).
- Ragheb Esfahani, H. (1991). *Vocabulary in Gharib al-Qur'an*. Beirut: Al-Dar al-Alam (in Arabic).
- Ranjbar, Z. (2009). *The educational functions of questions in the Qur'an*. Master's thesis, Usul al-Din University, Qom (in Persian).
- Sattari, A. (2021). *Teaching thinking to children and teenagers*. Tehran: Side.
- Sajjadih, N.; Dialmeh, N. and Tousiyan, S. (2016). An educational approach to the functions of questions from the perspective of the Holy Quran. *Ketab-E- Qayyem*, 7(16), 69-90 (in Persian).
- Shariati, S. (2011). Examining the word education in the Quran and Sunnah (criticism on the use of the word education in religious meanings). *Educational Psychology*,

8(23), 61-72 (in Persian).

Shabani, H. (2011). *Educational skills*. Tehran: Samt (in Parsian).

Sigit, H. (2021). Question-and- Answer Method on Simante Used for Increasing Students Achievement at Sociolinguistics Subject. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, No.662, pp.738-743.

Tabatabai, M.H. (2006). *Translation of Tafsir al-Mizan*. Qom: Islamic Publications Office (in Persian).